



خبرنامه

- بازهم کشتار رژیم در ایندوقاشی .
- گزارشی از زندانهای رژیم جمهوری اسلامی .
- گزارشی از شهر بوکان بعد از تسلط نیروهای رژیم .

**پیشمرگان کومه که در نزدیکی دیواندره
یک ستون از نیروهای دشمن را به دام
انداخته و بیش از ۵۰ تن از مزدوران
را به هلاکت رساندند .**

**در این نبرد رفقا عطا قهری و رؤوف
محمدپور بشهادت رسیدند .**

● ۶۰/۹/۶: در این روز چند کمین دشمن می نشینند. یک ستون
دست از پیشمرگان کومه که در پیاده ارنش و جاش و پاسدار که
سرخاذه، دیواندره - کاولی آردیواندره بطرف کاولی
در فاصله ۲ کیلومتری شهر به
بسیه در صفحه ۱۲

حکمت تازه ای از جنبش انقلابی در کومله

سازار حکما، اسکا که حرکت
سازهای از حسن انقلابی توده ها
در بعضی از شهرهای کوردستان آغاز
گرددند است .
در عیدمرسان اسال بدعت کومه که
مردم شهرهای مهاباد و غیر علمبرگم
آگاهی از وضعیت های رژیم ، در
گورستان شهیدان حموریا فتنه و طی
مراسمی به تحلیل از شهیدای جنبش
مقاومت خلق کوردستان استند . این
مراسم هر چند دامنه ای محدود
داشت ، اما نشان دهنده وجود
سازهای مساعد برای آغاز یک
حرکت تازه در جنبش توده ای بود .
ممکن در ماه های اخیر ورود
سرمگان کومه که به شهرها با
استیصال و سعترو برتو، تیری از
سوی توده ها روبرو شده و کما می
این استقبال توده ای در زرتاش
سازان دشمن به تظاهرات موضعی
در کومه ها و محلات شهر بند
گرددند .
رسان یک مورد
سه در صفحه ۱۲

مراسمی در ایام پیشمرگان کومه در ایام

- مراسم گرامیداشت
یاد شهیدان**
- کاک علی گلچینی
 - کاک صالح بوریدری
 - کاک و فرسهای
 - کاک شکرالله کلاه قوچی
 - کاک منصور موسوی
 - کاک احمد ...

- داربسر
- بوکان
- قلعه گاه
- دیواندره
- بیه که ره
- مسریوان
- هانی سواران
- تسندج
- بوریدری
- زاوه رود

ادامه حرکت تازه‌ای از...

از این تظاهرات که هنگام حمله پیشمرگان کومله به مغایرات مهاجمان صورت گرفت، چنان فریادهای بی روحیه دشمن وارد آورد که فرماندار مهاجمان را به فریاد فریاد رادیو تلویزیونی انداخت.

عکس العمل جوانان مبارز کردستان در برابر تلاش رژیم برای سرپا زگیری نیز نشانه دیگری از این حرکت تازه است. این جوانان مبارز در سراسر کردستان به ندای کومله پاسخ مثبت داده و در برابر فشار رژیم سر تسلیم فرود نیاورده و از رفتن به سرپا ز و قربانی شدن در راه اهداف فداانقلابی رژیم سرپا ز شدند و با پیوستن به صف پیشمرگان پشت محکمی برده‌ها با وه گوی رژیم جمهوری اسلامی کزبیدند.

بعلاوه جنبش دانش آموزی نیز که تا آخر پستین روزهای سال تحصیلی گذشته از حرکت با زنا بیستاده بود، مجدداً از نخستین روزهای گشایش مدارس در شهرهای کردستان از سر گرفته شد.

دانش آموزان سنندج در روز ۶/۸/۶۰ به پشتیبانی از جنبش مقاومت خلق کرد تظاهرات سیاسی برپا کردند. فشار عمال رژیم بر دختران دانش آموز برای پوشیدن اونیفرم اسلامی دختران زمین با مقاومت یکپارچه آنان خنثی گردید. مزدوران مجبور به عقب نشینی شدند و پوشیدن لباس کردی در مدارس را پذیرفتند.

در روز ۱۲ آبان به دنبال انتشار تراکت کومله مبنی بر دعوت از دانش آموزان برای تبدیل مراسم فرمایشی رژیم به حرکتی اعتراضی برآمدن آن، دانش آموزان مبارز در سنندج با غریب شعارهای انقلابی از قبیل "زنده باد جنبش مقاومت خلق کرد" و "تحمل بیا خیز، همسنگرت زندانسی است" و "پیشروگه تا زنده بماند، دوزخ شعله‌ور لهرزه"، تظاهرات اعتراضی خود را در قالب مراسم فرمایشی رژیم آغاز کردند.

در سنندج تظاهرات مدارس به خیابانها کشیده شد و دانش آموزان با شعار مرگ بزمخیمینی! مرگ سرپا زان! کز با... عکسهای خمینی و پهلایان در راهی دولتی

زاپاره کردند. نزدیک ظهر با سواران با تیراندازی و دستگیری عده زیادی از دانش آموزان تظاهرات آنان را پراکنده کردند.

در سنندج فریاد رسای دانش آموزان بزودی بر داد و فریاد بلندگوهای رژیم و زوزه خاشاکسپراننده‌های و اکثریتی غالب گردید و شعارها طره انگیز "اتحاد، مبارزه، پیروزی" و معادل کردی آن "به کیه تی، تیکوشان، بهرکه و تن" برای مدتی فضای میدان "آزادی" را پرطنین ساخت. اوجگیری این حرکت اعتراضی بجای رسیدگی مزدوران رژیم بدون سخنرانی پایان مراسم را اعلام کردند!

درستی تاکنیک این حرکت اعتراضی، سازماندهی خوب و شرکت گسترده دانش آموزان در تظاهرات ۱۳ آبان، انعکاس وسیع و تاثیر فراوانی در میان مردم این دوشهر بجای گذاشت. بعلاوه شرکت وسیع توده‌های دانش آموزی باعث شد که جاسوسان و خاشاکسپراننده‌های و اکثریتی نتوانند فعالین تظاهرات را شناسایی کنند.

در اثنایه نیز دانش آموزان زیر بار مراسم فرمایشی ۱۳ آبان نرفته و با مقاومت یکپارچه در برابر فشار پاداران و جاسها که مسلحانه دور تا دورشانرا گرفته بودند از تکرار شعارهای فداانقلابی خودداری کردند، تا جاتیکه مزدوران از ترس تبدیل تجمع دانش آموزان به حرکتی بر ضد رژیم، از ادامه تظاهرات ارتجاعی خود منصرف شدند.



این حرکت تازه در شرایطی آغاز گشته است که توده‌های مردم سراسر ایران ماههاست با تهاجم سرکوبگرانه گسترده‌ای از طرف رژیم فداانقلابی جمهوری اسلامی دست به گریبانند. این رژیم که بعزت رودر رو بودن با نارضایتی توده‌ها و بحرانهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عمیق و روزافزون بیش از هر زمان موجودیت خود را در خطر می بیند، برای وادار کردن مردم به تسلیم در برابر فقر و فلاکت و سلب حقوق و آزادیهای سیاسی و برای جلوگیری از رشد جنبش توده‌ای به آخرین حربه‌های خود یعنی

ادامه پیشمرگان کومه له

در نزدیکی دیواندره ...

در حرکت بودند، در ساعت ۱۰/۵ صبح با پیشمرگان درگیر شدند. در اولین ساعت درگیری تعداد زیادی از نیروهای دشمن کشته شدند. پس از آن نیز چندین بار پیشمرگان تعرفات آنان را درهم شکسته و عده بسیار زیادی از مزدوران را بهلاکت رساندند، به طوری که دشمن با گامیون و زیل و آمبولانس و هلیکوپتر کشته و زخمیها را از صحنه خارج میکرد. اما مجدداً بر تعداد کشته و زخمیها افزوده میگشت.

درگیری تا ساعت ۹ بعد از ظهر ادامه پیدا کرد و طی ۶/۵ ساعت نبرد، دشمن با تلفات سنگینی در حدود ۹ کشته و زخمی و ۲ ماشین سوخته، مقتضات محنه، عملیات را ترک کرد. در جریان این درگیری ۲ تن از پیشمرگستان فداکار کومه له (کاک رشوف محمدیور و کاک عطا قمری) به شهادت رسیدند، یادشان گرامی باد. همچنین یکی دیگر از پیشمرگان زخمی شد.

این ضربه سخت پیشمرگان کومه له بر عملیات تعرض جاشها و ارتش و پاسداران به مقرهای حزب دیکرات در منطقه و برای سرکوبی جاشهای جدید که بنام بسیج از سنج عازم منطقه شده اند، صورت گرفت که با عسرت

تقویت روحیه مردم منطقه گردید. همچنین جواب دندان شکنی بسط تعرض فدا انقلابی نیروهای دشمن بود.

احاطی روستاهای اطراف نان و غوراکی به سنگرهای پیشمرگان میآوردند و در حمل زخمیها و رساندن آنان به آمداه پیشمرگان فعالیتها شرکت داشتند. شدت این نبرد و میزان تلفات رژیم در این نبرد بعدی بود که بلندگوهای دولتی نیز ناچار بدان اعتراف کردند، اما طبق معمول سمی داشتند شکست و خسارات خود را تا چیز جلوه دهند و درمسئورد میزان خسارات پیشمرگان کومه له به دروغپردازی بپردازند. با همه این تلاشها نبود قهرمانان پیشمرگان کومه له و شکست مزدوران رژیم بوسیله خبرگزاریها به سرنا سرجهان مغایره شدو افکار عمومی جهان که اکنون بغوسی با تبلیغات مضعفانه و سرتاپا دروغ رژیم جمهوری اسلامی آشنائی دارد قادر است تا حدودی حقایق را از درون این داده غریبدهای عوامفریبانه بدر آورد.

در جریان تشییع جنازه دو پیشمرگ شهید کومه له، منسردم منطقه تجلیل باشکوهی از آنان بعمل آوردند.

تله انفجاری

پیشمرگان کومه له

عده ای از مزدوران

و رژیم را بهلاکت

رساناند

☆ ۶۰/۹/۲ : یکدسته از پیشمرگان کومه له "بزر شهید لسژاد" در فاصله بین چناره - مریوان یک تله انفجاری برای دشمن کار گذاشتند. محل این تله در فاصله بسیار کمی با پایگاه "گماره لنگ" قرار داشت. در ساعت ۷/۴۵ دقیقه صبح عده ای از نیروهای دشمن که از آن محل عبور میکردند، تله را مشاهده کرده و قصد خنثی نمودن آنرا داشتند، که بلافاصله توسط پیشمرگان منفجر شد. انفجار این تله باعث بهلاکت رسیدن ۴ نفر از نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی شد. پس از آن با نگاههای دشمن وحشتزده بمدت ۴۵ دقیقه پس هدف به اطراف خود تیراندازی میکردند.

در میان دو آب دستگیر و در تاریخ ۶۰/۸/۲۷ همراه ۱۲ نفر دیگر بدست مزدوران رژیم تیرباران گردید. یادش گرامی باد!

(بقیه از صفحه ۱۶)
هنگام دستگیری در شهر یورماه همچنان پر شور، فعال و خستگی ناپذیر، سرشار از امید به آینده مبارزه ادامه داد. سرانجام در یکی از رفت و آمدها

پیشمرگان کومه له در روستاهای یورش نیروهای رژیم رابه قلعه گاه مقب رانده و تلفاتی سنگین بردشمن وارد آوردند.

★ ۶۰/۸/۲۸ : ارتش و پاسداران و جاشها به مقرهای حزب دمکرات در روستاهای " بهرده ریشه " ، " تهوربیزخاتون " و " قلعه گاه " حمله کردند. نیروهای سرکوبگر وارد روستای " بهرده ریشه " و " تهوربیزخاتون " شدند. در ساعت ۱۱ صبح روستای قلعه گاه رابه محاصره خود درآوردند که در جریان آن یک نفر از پیشمرگان حزب دمکرات شهیدت رسید.

پیشمرگان کومه له که در آن حوالی بودند، پس از دریافت خبر به طرف نیروهای دشمن براف افتادند. قبل از آنکه ارتش، پاسداران و جاشها بتوانند آخرین تپه مشرف بر روستارا تصرف کنندو برای کشتار وغارت وارد روستای نامبرده شوند، پیشمرگان به محل رسیدند و نیروهای دشمن را مورد حمله قرار

دادند. سر دستخی با سرکوبگران آغاز گردید که در جریان آن حداقل ۱۵ نفر از نیروهای ارتش و پاسدار و جاش کشته وزخمی شدند. یک اتومبیل با یک قبضه تفنگ نیز از کار افتاد و مزدوران رژیم مجبور به عقب نشینی شدند. در این نبرد آسیبی به پیشمرگان کومه له نرسید.

در این عملیات، عمده ای از پیشمرگان حزب دمکرات با یک دستگاه ماشین و مسلسل کالیبر ۵۰ از محاصره ارتش و پاسداران و جاشها درآمده و دونفر زخمی آنها بوسیله اکیب پزشکی کومه له مداوا شدند. دشمن در حال فرار از ترس حمله مجدد و تمقید پیشمرگان، بی هدفانه یخندیهای اطراف را خمپاره باران میکرد.

اهالی روستا از اینگونه پیشمرگان کومه له دشمن را شکست داده و قبل از آنکه آنها بتوانند به اذیت و آزار روستائیان بپردازد مجبور به عقب نشینی گردیده و به هنگام ورود پیشمرگان کومه له به روستا با تورشوق فراوان به استقبال آنان شتافتند.

تکذیب یک خبر رادیوی حزب دمکرات

گردید و پشت زخمی شد. رادیوی حزب دمکرات این عمل را به پیشمرگان حزب دمکرات نسبت داد. بدینوسیله ما این خبر رادیوی حزب دمکرات را تکذیب مینمائیم.

در خبرنامه ۱۲۷ به اطلاع رساندیم که در تاریخ ۶۰/۸/۲۷ " قادر عمیل " جاش مزدور رژیم، در داخل شهر مهاباد، بوسیله پیشمرگان کومه له ترور انقلابی

پیشمرگان کومه له برای دومین بار در یک هفته اخیر پایگاه دشمن در بیه کهره (مریسوان) را مورد حمله قرار دادند.

★ ۶۰/۸/۲۵ : شب هنگام پیشمرگان کومه له تپ شهید عبدالله از جز شهیدفواد باسگاه نیروهای جمهوری اسلامی مستقر در " بیه کهره " را مورد حمله قرار دادند. در این عملیات پیشمرگان نائزدیکسی دشمن تپش رفته و پس از آن مزدوران را زهرآلودن سلاحهای خود گرفتند. در این حمله حداقل ۱۰ نفر از نیروهای ارتش و پاسدار و جاش هلاکت و زیدند.

نیروهای رژیم با حملات پیشمرگان روجه خود را باخته و وسایحه و می هدف به اطراف خود تیراندازی می کردند. این مزدوران روز بعد اهالی روستاهای اطراف پایگاه را مورد اذیت و آزار قرار داده و عمده زبانی از آنان را دستگیر کرده و به پایگاه بردند.

این دومین باری است که طی هفته اخیر پیشمرگان کومه له پایگاه " بیه کهره " را مورد حمله قرار میدهند. در این حمله هیچگونه آسیبی به پیشمرگان وارد نیامد و همگی سالم به مناطق تحت نفوذ خود بازگشتند.





پیشمرگان کومه له

نیروهای جمهوری اسلامی را از "داربسر" (بوکان) وادار به عقب نشینی کردند.

☆ ۶۰/۹/۲ : در ساعت ۲ با مداخله ستونی شامل ۱۷ خودرو ارتشی و پاسدار و چاشنی طرف پروتستانی رتیسر واقع در ۲۷ کیلومتری شهر بوکان پیشروی کردند. در ساعت ۵ با مداخله با تصرف کلیه ارتفاعات مشرف بر آن، روستای مزبور را که مقر حزب دمکرات در آنجا بود محاصره کرده و در ساعت ۶ در حالیکه وحشیانه به طرف خانه های اهالی تیراندازی میکردند وارد آبادی شدند. در لحظات اول ۲ تن از پیشمرگسان حزب شهید و ۲ تن دیگر اسیر شدند.

پیشمرگان کومه له که در آن حوالی بودند بعضی اطلاع از خبر بلطف دشمن پیشروی گسوده و در ساعت ۸ صبح با عده ای از آنها درگیر شدند و پس از مدتی درگیری مزدوران را مجبور به عقب نشینی نمودند.

پیشمرگان کومه له بقصد باز پس گرفتن ارتفاعات، جورانه به پیشروی خود ادامه دادند و طی نبردی قهرمانانه یکسری از ارتفاعات مهم منطقه را از نیروهای دشمن باز پس گرفتند و مزدوران را در حین فرار به رگبار بستند و تعدادی از آنان را به هلاکت رساندند. همچنین یکسری دیگر از ارتفاعات را که دشمن در آن مستقر بود با خمپاره انداز مورد حمله قرار داده و پس از مدتی آنها را نیز به تصرف خود درآوردند.

با وجود آنکه تعداد نیروهای دشمن بالغ بر ۲۵۰ نفر بود اما مرتباً از پایگاه های دیگری درخواست کمک مینمودند. نیروی پیشمرگان اومده بالاخره دشمن را در ساعت ۱۲ ظهر مجبور به عقب نشینی کرد.

در داخل شهر بوکان آسولانس جهت حمل اجساد کشته وزخمی های دشمن مرتباً در رفت و آمد بود. در جریان درگیریها تعداد زیادی از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند که از آمار دقیق آن اطلاعی در دست نیست.

در ساعت ۱/۵ بعد از ظهر پیشمرگان با وارد روستای داربسر شده و با استقبال گرم مردم روبهرو شدند. در آن یورش، مزدوران رژیم یک تن از اهالی روستا را نیز شهید و ۱۰ نفر دیگر را اسیر کردند.

پیشمرگان کومه له مقرر

له دشمن در بوریله

و هانی سورانی را مورد

حمله قرار دادند.

☆ پیشمرگان کومه له (پل شهید نوروز) و (پل شهیدشوان) بعد از یورش پاسداران و جانشینان در منطقه " بوریله " که مدتی قبل به عقب نشینی حزب دمکرات از آنجا، به تصرف نیروهای دشمن درآمده بود در ساعت ۱۰ شب ۶۰/۹/۴ به پاسگاه

" بوریله " حمله کرده و مدت سه ساعت آنها را زیر تعرض انقلابی خود قرار دادند. در همین روز در نقطه دیگری در این منطقه بنام " هانی سوران " نیز پاسگاه مزدوران را با خمپاره کوبیدند. جرنیبات این اخبار را بعداً به اطلاعاتان خواهیم رساند.

در تیراندازی پاسداران و جانشینان به شدت پیروز شدند

☆ در وقت ۶۰/۹/۶ : در این شب تعدادی حائز و پاسدار در نزدیکی

بیمارستان کیمین میکنند گسده نیروهای متفرد در بیمارستان متوجه آنها شده و به خیال آنکه پیشمرگان هستند، به طرفشان تیراندازی میکنند. در نتیجه آن یک پاسدار به هلاکت میرسد. پاسداران و جانشینان نیز در مقابله سومی شدند و نارنجک بسد داخل خانه یکی از اهالی شهر بسلام حاجی حسن بوناب میکنند. اما فقط یکی از آنها متفر شده و خساراتی سبب زنی آورد. فردای آن روز بی شرمانه منزل شخصی نامبرده را آزاری میکنند.

نمونه هائی از چنایات رژیم

بوکان

● ۶۰/۹/۵ : نیروهای جمهوری اسلامی عده‌ای از روستا شیبسان بیدفاع که قصد رفتن به شهر را داشتند، به رگبار بست و ۳ نفر از آنان را زخمی نمودند. یکی از زخمیها چنین می‌گفت :
" ساعت ۱۴ ظهر بود. من و همراهم در جلو قهوه‌خانه "گلگور" (سیرخاده) بوکان - میان دو آب) منتظر ما شین بودیم، تا جهت تهیه آذوقه و ما به‌تاج عازم شهر شویم. ناگهان چندین خودرو ارتش و پاسداران از بیخ جاده بیدار شده و از جلو ما رد شدند. در ساعت ۱۲/۱۰ دقیقه در حالیکه آخرین ماشین از جلو

ما رسیدند، لوله تفنگهایشان را بسوی ما کرده و ما را به رگبار گلوله بستند. در این جریان سه نفرمان زخمی شدیم. حال یکی از همراهمان من که زن سالخورده‌ای است، وخیم است."
● ۶۰/۹/۵ : از ساعت ۸/۵ صبح تا ۱۲ بعد از ظهر نیروهای رژیم چنایتکار جمهوری اسلامی مستقر در بابگاه "حاجی آباد" (جاده) ساندوآب - بوکان، روستای "قارنجی" را بمباران می‌کردند. در جریان این عملیات و حمله ۱ نفر از اهالی بیدفاع زخمی شده و ۱۲ خانه، مسکونی آنان ویران گردید. زخمیها وسیله "اکسپلوزیو" کوه‌ساخت تحت درمان و مداوا قرار گرفتند.

هلیکوپترهای جمهوری اسلامی روستاهای پایه را مورد حمله قرار دادند.

● ۶۰/۹/۴ : ساعت ۷ با صدای این روز ۲ فروند هلیکوپتر نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی روستاهای "سبامه"، "کوخان" و "نجنی" را مورد حمله قرار دادند. مزدوران رژیم اهالی بیدفاع این روستاها را به رگبار مسلسل کالیبر ۷۵ و راکت بسته و خساراتی نیز بار آوردند. در نتیجه این تیراندازیها در روستای کوخان ۲ نفر سوار به‌شمرگان کوه‌ساخت زخم شدند.

آزادی یک سرباز و یک درجه‌دار اسپر پیشمرگان کوه‌ساخت

● ۶۰/۹/۹ : در ادامه حیاست کوه‌ساخت نسبت به ارتشمان اسیری که از طرف رژیم خدانقلا بسوسی جمهوری اسلامی اخبار آبه جنگ در کردستان فرستاده میشوند، ۱ زندانی بنامهای شیا تعلق زارعی (سرباز وظیفه) و رضا رحیمیان (گروهبان سوم احتیاط) کسه در تاریخ ۶۰/۸/۱۲ در کمپین جاده "سب آباد" سبندج به اسارت پیشمرگان کوه‌ساخت درآمده بودند

آزاد گردیدند. در مدت اسارت نامردگسان مسئولان کوه‌ساخت آنان را با سیاستهای انقلابی کوه‌ساخته و حقانیت جنبش مقاومت خلق کرد آشنا کردند و برای آنان توضیح دادند که چگونه رژیم جمهوری اسلامی سربازان، درجه‌داران و افسران عده را که "اکتیسرا" فرزندان زحمتکشان و توده‌های ستندته ایران میباشند برای

سرکوب مبارزات عادلانه خلق کرده کردستان می‌فرستند، تا آنها را در راه اهداف خدانقلا بنی خود قربانی نمایند. همچنین سیاست کوه‌ساخت نسبت به این قبیل سربازان و درجه‌داران یا افسران که هرگاه خود را به پیشمرگان ما تسلیم نمایند آنها را آزاد خواهد کرد و برایشان توضیح داده شد.

ایندرفغانی

مسئله جنایات در تاریخ

روزم جمهوری اسلامی

روزنامه جمهوری اسلامی

نام روستای "ایندرفغان" مانده "دیوبندین" و "مای لای" برای همیشه در ذهن میلیونیها انبیا خواهد ماند. این نام به عنوان سندیهایی از جنایات رژیم جمهوری اسلامی در تاریخ ثبت خواهد شد. بار سال در تاریخ میزدهم آبان سال اعمال جنایتکار جمهوری اسلامی بشار ۲۰ تا سر

از مردان، زنان و گروهگان این روستا را با وحشیگری و بیگرمی فجیعی بکشتن رساندند. در حالی که هنوز مردم بی دفاع روستای ایندرفغان دوغاتم و سوگ عزیزان شهیدان که به دست جلادان جمهوری اسلامی بکشتن رسیده بودند نرسیده بودند، سرکوبگران رژیم یکبار دیگر در روستای ایندرفغان جنایت آفریدند.

● در تاریخ ۶۰/۹/۲۶ تا عصر ۲۶ آذر ظهر ایندرفغان به همراه کامل ارتش و پاسداران و جانشینان درآمد، پیشترگان حزب دمکرات که در این روستا بودند به مقاومت پرداختند. نیروهای سرکوبگر با توپ و خمپاره روستا را بشدت کوبیدند خمپاره باران تا پاسی

از شب ادامه پیدا کرده در پایان این گلوله باران وحشیانه و نگر از مردم بی دفاع روستا بشهادت رسیده و ۵۰ نفر زخمی شدند که بیشتر آنها دست و پای خود را از دست داده اند. همچنین بیش از یکصد خانه، مکتب و ویران گردید. فردای آنروز نیز بستنای چندمین بار روستای قم قلمه مورد خمپاره باران قرار گرفت که بیش از ۱۰ خانه روستای قلمه نیز ویران گردید. کشته و زخمیهای این حمله وحشیانه را بیشتر زنان و کودکان تشکیل میدهند. یک پیشترگ سرزب دمکرات نیز در این درگیری شهید شد. همچنین دوش از آنان زخمی گردیدند.

مردم یکی از روستاهای پاک با مقاومت خود پاسداران و جانشینان را وادار به عقب نشینی کردند.

● ۶۰/۹/۲۶: پاسداران و جانشینان هنگام به یکی از روستاهای اطراف خانه حمله کرده و آنجا را با خمپاره درآوردند. جانشینان به جلو در خانه یکی از اهالی رفته و خود را پیشترگ معرفی کردند. اما جانشینان به تدریج معرفی وی مشکوک شده و از تکلیف در میان معترضین و پیشترگین جانشینان می بینند. بطرف این مژور شیراندازی کرده و او را به خاک می رسانند.

صدای این شیراندازی موجب شد که اهالی روستا از موضوع باخبر شده و خود را برای مقابله با نیروهای سرکوبگر آماده سازند. تمام کسانی که در دهه اطعمه داشتند، دستگرفته و پاسداران و جانشینان را زیر آتش سلامهای خود گرفتند. مژدوران رژیم وقتی که با مقاومت یکبارچه اهالی روستا روبرو شدند، ناچار به عقب نشینی شده و جاده حاشی را در روستا سد پای می گذارند.

مردم روستاهای اطراف خانه در برابر یورش های ارتش و پاسداران و جانشینان، بارها این چنین سلمانان سیه مقاومت پرداخته و دوش سادوش پیشترگان با مژدوران رژیم به نبرد پرداخته اند. علاوه بر آنها همچنین برای حفاظت امنیت و جانباخته با حمله شانه دشمن آنها به نگهبانی از روستای خود می پردازند.



حرکت اعتراضی تحریم کلاس

در مدارس سقز

بدینال کشتار جنايتکارانه دانش آموزان مدرسه، معذوق سقز بوسيله باسداران رژيم، دانش آموزان مبارزان شهر (ديريستان و راهنمايي) دلي قطعا مه اي اعلام کردند که بعنوان اعتراض به سرکوب خونين دانش آموزان، به مدت ۲ روز از ۲۶ تا ۲۸ آبانماه کلاسي هاي درس را تحریم مينمايند. در همين قطعا به خواهسته هاي عيني و سياسي دانش آموزان در قريه با ده با اطلاع عموم رسيده بود.

حرکت اعتراضی "تحریم کلاس" از صبح به شنبه ۶۰/۸/۲۶ در همسه ديريستانها و مدارس راهنما شمس (بجز آزادی و معذوق که منحل اعلام شده بودند)، عليه رسم مخالفت مسئولان مدارس و کسار شگني خاشاين توده اي واکثريتي با استقبال اکثريت دانشمندان دانش آموزان رويزوگرديد. در اين روز دانش آموزان هر مدرسه بسنبا خواندن قطعا مه، عبا ده اي و اعلام يك دقيقه سکوت با احترام شهدا عثمان فرج پور و ناصر الحسني برنا مده را شروع کرده و مي بسند خواندن سرودهاي انقلابي و دادن شعار در پشتيباني از جنبش مقاومت خلق کرد و ييشمركان انقلابي بسني برداختند.

در تمام مدت "تحریم کلاس" دانش آموزان در سرا و جيسا ط مدارس مرکز مبحثهاي سياسي

بهش اعلاميه ها و خبرنا مه هاي کومه له، و ديگر سازمانها و توضيح و تبليغ درباره، قطعا مه عبا ده اي و خواهسته هاي عيني و سياسي خود بودند.

در نتيجه، حرکت گسترده، دانش آموزان در اين حرکت اعتراضی، در مدارس سقز فضا يي پر از شور و شوق حکم فرما شده بود و دانشان توده اي واکثريتي مجالي براي ماندن در بيان دانشمندان دانش آموزان و شناسايي فعالين اين مبارزات نيافتند. مسئولان معالظه کار مدارس هم قادر بسنه جلوگیری از اين موج اعتراضی نبودند. در طول اين دو روز دانشمندان خميني، قاشم مقام سپاه پاسداران و تعداد ديگري از مزدوران رژيم چندين بار به مدارس آمده و تلاش کردند تا با عوام مغربي و تهديد دانش آموزان را سرکلاسيها يشان بفرستند. لکن تلاش آنها هر بار در مقابل روحيه، مقاومت جويانه دانش آموزان با شکست رويبرو ميشد. جلسات سخنراني اين مزدوران هميشه بوسيله، دانش آموزان به سؤال و جوابهاي سياسي پرهيجاني تبديل ميشد و در واقع هربار دانش آموزان مبارز مزدوران رژيم را به محاکمه ميکشيدند.

در اين ميان "عايدی" رئيس آموزش و پرورش که در يافته بسود حريف مبارزه، پکهارچه، دانش

آموزان نميشود در جلسه اي بسا حضور مقامات رژيم و مسئولان مدارس با اعتراض عيني به عقب نشيني در برابر اين حرکت معلمان و مسئولان مدارس را تهديد بسنه انحلال مدارس و اخراج دسته جمعي آنان نمود.

بر انجام در روز ۶۰/۸/۲۸ به دنبال صدور اعلاميه، دانش آموزان مبارز سقز عيني برپايان دادن به "تحریم کلاس" دانش آموزان بسا روحيه اي پرور شده اند به کلاسيهاي خود بازگشتند. در بخش آزادي بسا اعلاميه جنبش آمده است:

"... آنان بخبري در يافته اند که مدارس کردستان بجمهور گانيون گرم مبارزه و تشکل واحشاعا ت بوده و در مسطکسي است عا بسند رژيم، به همين دليل ميخواهند نصف پکهارچه و تشکل ما را از هم بپاشند. تا با هتکاري شوکوران توده اي واکثريتي خود، فضا يي براي شناسايي، اخراج، دستگيري و انجام دانش آموزان و با نصرف کشادن سيارا ت آنان ايجاد نموده و برپايه، همين سياست، جو شور و خفقان را بر مدارس حاکم کرده اند.

بدینوسيله اعلام مي داريم که از تاريخ پنجشنبه ۶۰/۸/۲۸ بسنه تحریم کلاس عا ته داده و بسا برگشتن به کلاسيها هرگونه توطئه ضد فرهنگي و ارتجاعی رژيم را عيني بر تشکيل و انحلال مدارس خلقی مينماييم. در عين حال به مسئولين مدارس اعلام مي داريم



چند نمونه از:

تظاهرات دانش آموزان در

مدارس سیندج

● ۶۰/۸/۲۵ : میچ اسپن روز دانش آموزان مدرسه "شکوفه" دختران با بیقراری منتظر رنگ آغری بودند زیرا قرار بود بخاطر پیدایش شهدا و اعدایمهای اخیر تظاهراتی برپا شود. تا رنگ آغری شد همه با شور و شوق جلو مدرسه جمع شدند در عرض چند دقیقه بصورت بزرگی از دانش آموزان با شعارهای انقلابی برآه افتادند. شعارهایی از این قبیل: محصل بیا خیز! همروز نوزدانی است. دایگی شهید بزانه سرکهوشن بو گلانه، بیگای رولهی شهیدت.

دلی زه عهده تکیشانه (ای مادر شهید بدان، که خلقها پیروز میشوند، و فرزند شهیدتو، در قلب زحمتکشان جای دارد).
"دایه مگری بو رولست، نه مرین شهستینین تولت (مادر! برای فرزندت گریه نکن، اگر زنده بمانیم انتقام تو را خواهیم گرفت).
در نیمه راه یک جیب پسر از پاسداران کنارا راهپیمایی عبور کرد ولی دانش آموزان بی اعتنا همچنان شعار میدادند. پاسداران برای جلوگیری از حرکت راهپیمایی تهدیدیه تیراندازی کردند اما دانش آموزان خودکم کم متفرق شدند. این تظاهرات تا شب پسر بسزائی پر روحیه مردم محصله بجای گذاشت.

● ۶۰/۸/۲۵ : دانش آموزان مدرسه هشتم اچند نیز بعنوان اعتراض به اعدایمها و دستگیریهای اخیر (بویژه اعدام ۳ تن از محملان)، در ساعت ۱ بعد از ظهر از مدرسه خارج شده و با شعار محصل بیا خیز! همروزت اعدام شهیدت محصل بیا خیز! همذگرت زندانی است و با خواندن سرودشای "ای شهیدان" و "ای زحیم" بخوابان فردوسی آمدند و از آشنایبوی میدان آزادی حرکت کردند. در اینحسا پاسداران به تظاهرات حمله کردند

که مدتی را محبت اجرای خواسته های خود معین کرده و گماکان بسرای تحقق آن به اشکال دیگر بره مبارزات و اعتراضات خود ادامه میدهم.

رفقای دانش آموز! وظیفه، است که از پراکندگی جلوگیری کرده، با شکل و هماهنگی، اعتراضات خود را در تمامی عرصه ها دامنه و وسعت بیشتری بخشیم و علیه توطئه های شوم رژیم بیا خیزیم. جریان خواستهای و نظرات خود را بمیان توده ها برده و از آنان بخواهیم که در اسن عبارات برحق ما را باری دهند.

و ۲ تن از دانش آموزان را دستگیر کردند. دانش آموزان بنا بر قرار قبلی در میدان آزادی متفرق شدند.

اعتصاب و تظاهرات

در چند مدرسه راهپیمایی

ماندانا

● در روزهای سه شنبه ۲۶ تا شنبه ۶۰/۸/۲۵ دانش آموزان این مدرسه بصورت اعتراضی به اخراج مدیر مدرسه و آمدن یک خواهی زینب بجای او، حرکتی تفرقه و در عیاض مدرسه همراه با دادن شعارشای سیاسی خواستار بازگشت مدیر و اخراجی و تشکیل شورا میشوند. پاسداران مدرسه ریختند و ۶ تن از آنان را دستگیر نمودند که پس از کتک کاری آنها را آزاد نمودند. اما اعتصاب و تظاهرات همچنان ادامه یافت. روز یکشنبه چهل تن از دانش آموزان را اخراج و ۲ تن را دستگیر نمودند. دانش آموزان با اعتراض به این عمل مزدوران رژیم در عیاض مدرسه اجتماع کرده و با شعار مرگ بر ارتجاع، مرگ بر پاسدار بسنه تظاهرات برداختند. پاسداران مجدداً به مدرسه یورش آورده به تیراندازی هوایی برداختند اما دانش آموزان همچنان به شعار دادن ادامه دادند تا اینکه پراثر پرتاب گازی و گاز اشک آور از طرف پاسداران، دانش آموزان بناچار از مدرسه خارج شدند.



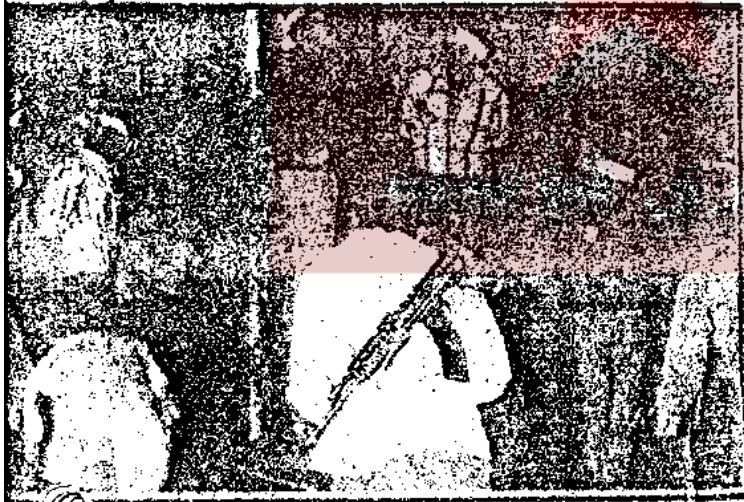
گزارشی از : وحشیگریها و جنایات

دهها نفر را در یک اتاق معمولی جای میدهند، همه دستگیرشدگان باید سزتا سرورز با دست و چشمان بسته بگذرانند و حق ندارند با همدیگر صحبت کنند. این وضع

با کابل سیمدار، آویزان کردن از میج دست، دستبندهای، سوزاندن با سیگار و فندک و... عده بسیاری از کسانی که رژیم بعنوان اعدای نامشان را اعلام میکند، زیر شکنجه شهید شده اند.

حداقل شلاق در زندان جمهوری اسلامی ۵۰ ضربه کابل است که غالباً زندانی طی آن چند مرتبه بیهوش میشود اما ما موران اسلامی شکنجه و هیفه شرعی دارند که

زندانهای جمهوری اسلامی نیز، همانند دیگر نهادها و ارگانهای حکومتی و سرکوبگر رژیم، بنوبه خود، نماینگر ماهیت ارتجاعی، ضدانسانی و ضدانقلابی جمهوری اسلامی میباشد. جلادان رژیم ضمن استفاده از همه شیوه های پلیسی بورژوازی در تعقیب، دستگیری، شکنجه و اعدام مبارزان و انقلابیون، زندانیها را بصورت سیهها لهنای قرون وسطایی و " فراموشخانه " های دوزخ استبداد قاچاری در آورده اند. حتی زندانهای شاه جلاد در سیاهترین روزهای پمراز کودتای ۲۸ مرداد نیز شاهد چنین جنایات هولناکی نبوده است. گزارشی که میخوانید از مناهدات یک رفیق زندانی تهیه شده که به تازگی از زندندان اوین تهران آزاد گردیده است :



... تعداد زندانیان بسیار زیاد است و رسیدگی به پرونده ها تابع هیچ قاعده ای نیست جز اینکه به پرونده های کسانی که در رابطه با اقدام مسلحانه یا تظاهرات خیابانی دستگیر میشوند، زودتر رسیدگی میکنند تا " زودتر کارشان را بسازند ". برای انتقال زندانیان از جایی به جای دیگر انسان را توی گونی میگذارند و با غشونت و آزار بار ماشین میکنند. شکنجه های معمولی مبارزندان زندانهای وحشیانه، شلاق زنی

گاهی تا حدود یکماه هم ادامه مییابد، سخت کردن دوزندانی با همدیگر در بازداشتگاه موقت شکنج میباشد. بعضی اوقات میگویند را جلو چشم بقیه زندانیان اعدام میکنند و در اینگونه مسوارد زندانیان را به زور برای تماشا این صحنه های وحشیگری نگاه

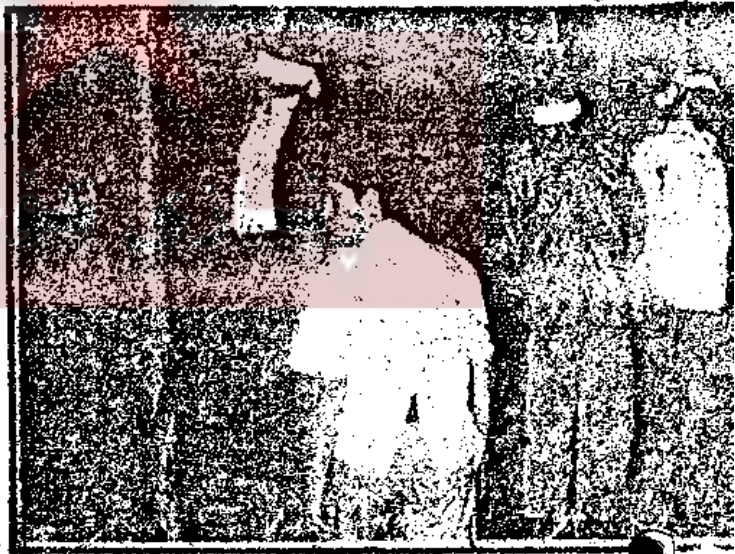
غرف را با ریختن آب بهر سر و صورتش بهوش آورند. و تا بیهوشی بسدی هم چنان به شلاق زدن ادامه دهند تا حد شرعی تکمیل میگردد. فقط در زندان عدومرزی ندارد. رادیو، روزنامه و هر گونه نوشته ای قدغن است. در بازداشتگاههای موقت در حالیکه

رژیم در زندانها

میدارند و برای شکنجه روحی زندانیان، گاهی محکومان را با سوزن در اعدام میکنند. حتی دیده شده است که پاسداران جلاد طناب داری را که به گردن

قائلان و جلادان حرفهای تبدیل سازد. همچنین گاهی این مزدوران به داخل بندها می آیند و می پرسند چه کسی حاضر به کشتن " کافر " و " منافق " است ؟ اتفاق افتاده است که آدمهای فاسد، ولگرد، قاچاقچی، هروئینی و غیره که با عمداً بدرون زندان فرستاده شده اند با تمادفنأ در دستگیریهای عیبانی گیر افتاده اند، برای خود شیرینی و در

متهمان را امری شریفی و گاهی زاید بشمارند. یک بار در اوایل شهر بورماه گذشته چهل نفر جوان را به داخل یکی از بندها آوردند. یک ربع ساعت بیشتر طول نکشید که همه ۴ نفرشان را در حیاط زندان شیربازان کردند. ۵ ماه است ملاقات با زندانیان بطور کلی مطلق شده است. ملاقات گذشتهگان مجبورند هر دو هفته یکبار در لونا پارک و محوطه جنب نماستان بین المللی (پارک وی) اجتماع کنند و اگر پولی برای زندانی آورده باشند با یادداشت مختصری از آنان بگیرند. در ضمن همیشه عده ای اوباش حزب اللهی در محنت حاضرند و مدام خانواده زندانیان را مسؤرد اذیت و آزار قرار میدهند و اگر جوانی در میان آنان باشد وی را مورد بازجویی قرار داده و معمولاً دستگیر میکنند.



حزب اللهی های " همیشه در محنت " حتی خانواده اعدای میان انقلابی را در گورستان نیز آسوده نمی گذارند. در بهشت زهرا قسمت مجزایی برای دفن اعدای انقلابی اختصاص داده اند که گاهی تا یک جسد را بدون غسل و کفن با لباس خون آلودگان در یک گودال دفن میکنند. این محل را مزدوران رژیم " لعنت آباد " نامگذاری کرده اند. در اینجا هم تعدادی از حزب اللهی های حقوق بگیر (در حدود ۵۰ نفر) از طرف کمیته

تلاش نجات خود حاضر به انجام این جنایات وحشیانه شوند. در این صورت شخص " کفرکش " یا " منافق - کش " فقط اجازه دارد انگشت روی ماشه تفنگ مزدوران بگذارد و زندانی را که قبلاً زیر شکنج و شلاق وحشیانه له شده اند و با چشم باز بدیوار نکیه داده اند شیربازان کنند. دادگاه و پاسداران محاکمه

محکوم انداخته اند با دست خود میکشند و تا خفه کردن محکوم آنها نگاه میدارند. این کردار دهمنشانه و ضد انسانی رژیم برای آنست که علاوه بر اعدام مبارزان و انقلابیون مخالف خود، حتی کوچکترین ذره عواطف انسانی را در ضمیر پاسداران مزدور نیز اعدام کند تا آنان را کاملاً بی



بیشتر زهرا با موریت دارند که همه روزه افراد خانواده شهیدای انقلابی را مورد امانت و آزار قرار دهند.

زندانیهای شهرستانها نیز وضع بهتری ندارند. مثلاً در لاهیجان تمام زندانیان چه زن چه مرد در اتاقهای تاریک و مرطوب زندانی هستند و تمام بدنشان کورک زده بطوریکه از زخم کورک و شکنجه جای سالمی در بدن ندارند. دکتر، دوا و مراقبت‌های بهداشتی وجود ندارد. ملاقات باید با تأشید امام جماعت و دادگاه انقلاب اسلامی باشد و پسر

و مادر زندانی باید از کمیته محل سکونت خود گواهی "حسن رفتار اسلامی" بگیرند. غالباً چنین گواهی‌هایی تنها با پرداخت رشوه گرفته می‌شود. در یک مورد مادر یک زندانی پس از این در و آن در زدنها و رشوه‌داده‌ها فرزند شکنجه شده‌اش را ملاقات میکند اما مجوز دیدن وضع درهم کوفته او بی‌هوش میشود و وقتی چشم باز میکند خود را در بیمارستان می‌یابد. و بدین ترتیب ملاقات مادر با فرزند انقلابی در یک لحظه غم‌انگیز خلاصه میگردد...".
با این همه هزاران جوان انقلابی، هزاران زندانی مبارز

و سرخست، با مقاومت قهرمانانه خود، رژیم سناستکار جمهوری اسلامی را تحقیر کرده‌اند. آنان در راه دموکراسی در راه آرمان و آلای کارگران و زحمتکشسان و توده‌های ستمدیده در راه سونگونی رژیم ضدانقلابی جمهوری اسلامی شهید شده‌اند و مرگ پرافتخار را بر تنگ خیانت و تسلیم ترجیح داده‌اند. و باین ترتیب بسیار دیگر زندانیهای ایران به عرصه شورا نگیزترین مبارزات سرخستانه میان انقلاب و ضدانقلاب تبدیل گشته و کینه و نفرت افکار عمومی را در سراسر جهان برانگیخته است.



بازی کوه‌ناله



نازلی

شعری که میخواهید از احمد شاملو شاعر معاصر است که مقاومت قهرمانانه "نازلی" را در زندان شاه جلال نویسنده کرده است. "نازلی" نام ستعار "ارطغر" کارگردان بازی است که پس از کودتای ۲۸ مرداد دستگیر شد و شکنجه در زندان شاه را تا مرگ قهرمانانه تحمل کرده و مالبان را زانوارش را بگشود و "سخن نگفت" داغ شکست بر ابدل سپاه جلادان نهاد.

نازلی!
بهار چنده زد و ارغوان شکفت
در خانه زیر پنجره قل داده با سبزه
دستت گمان چرخار
با مرگ شمس پشمه سینگن
بزدن به از نبود شدن
خاصه در بهار

نازلی سخن نگفت
نازلی ستاره بود
یکدم در این ظلام بدرخشید و جست و رفت
از تیرگی برآمد و در خون نشست و رفت.
نازلی سخن بگو!
نازلی سخن بگو!
نازلی سخن نگفت
نازلی بنفشه بود
گل داد و مژده داد که زمستان شکست و رفت
دندان کینه بر جگر خسته بست و رفت.

نازلی سخن بگو!
نازلی سخن بگو!

گزارش از همایش‌ها و نشست‌های دانش‌آموزان مهاجران

۶۵/۸/۱ : در این روز جلسه‌ای مناسبت با زنگشالی مدارس کتیه دانش‌آموزان شهر مهاجران (ابتدائی، راهنمایی و دبیرستان) را به میدان آبیاری برده و یکی از مسئولین سپاه پاسداران برای بیان سخنرانی کرد. او در سخنان خود بر علیه رژیم‌های سیاسی سخن گفت و از دانش‌آموزان خواست که خودشان را با سلاح آلوده، گروه‌های ضد انقلابی تشکیل دهند و با آرگانهای رژیم در سرگودگان همکاری نمایند. در تمام مدت سخنرانی دانش‌آموزان بی‌اعتنا بی‌سینه صدیهای این مزدور را هدف می‌گرفتند صحبت میکردند. دانش‌آموزان ابتدائی طبق معمول به فوجها و شلوغی خود مشغول و مانند این بودند که آنان را برای بازی کردن و یا سرگرمی به آنها آورده‌اند. بعضی‌ها ایشان از سرگودگان هم‌دیگر بالا می‌رفتند و هر کسی مشغول کاری بود.

بدنیال آن یکی از دانش‌آموزان به نیشتمان گریه از واداران عزب‌نوده عاشق بود. سخنرانی کرد و کوزه‌ها و سایر شیروها را سوراخ کرده و تیراندازی به پیش پشیمان خود را از رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی اعلام نمود. بعد از سخنان او پاسداران از دانش‌آموزان خواستند کسیه شعارهای آنان را تکرار نمایند. اما به غیر از عده‌ای عاشقین اکثریتی، توده‌ای و جاش کس

دبگری شمارهای ضد انقلابی را تکرار نکرد. عاشقین وقتی مشوجه شدند جمعیت به شمارهایشان می‌اعتنا هستند مدایشان را بلندتر کردند (بطوریکه از صدای پاسداران هم بلندتر بود) اما بلافاصله عده‌ای از دانش‌آموزان انقلابی به خواندن مسسورده "ای رفیق" و دادن شمارهای انقلابی پرداختند. یکی از شمارهایشان چنین بود: "مرگ بوجاش! مرگ برتسوده! اکثریت و پاسدار!" پاسداران در مقابل این حرکت با حالت وحشت و هراسی به سنگ‌هایشان رفتند و شروع به تیراندازی هواشی کردند. اما دانش‌آموزان انقلابی با صدای رسا تر و جهره، برافروختند و مشت‌های گره‌گرفته همپنشان شمارهایشان را تکرار میکردند. بعد از آن دانش‌آموزان دبیرستان متفرق شده و پاسداران بطرفه دانش‌آموزان را به صد کرده و در حالیکه دورتادور ایشان را محاصره کرده بودند، بزور بظرف مدرسه‌هایشان بردند.

بدنیال این جریان چاشهسا و پاسداران مزبور بدعیابانهای شهر (بضمیر) میان شاهپور انجام جم) کردند و در فاصله هر چند قدم یک پاسدار تیراندازی بدست که از چشماتش تیر و وحشت میبارید استفاده بود.

دستگیری همه‌روزه مردم مهاجران

در یکماه اخیر نیروهای سرکوبگر رژیم بر تاسناده مقرهایشان در داخل شهر افزوده‌اند و هم اکنون تعداد آنها به بیش از ۵۰۰ نفر رسیده است. بطوری که بقاعله هر روز تا ۵۰۰ نفر یک نفر وجود دارد. آنروز دران رژیم هر روز منطقه‌ای از شهر را به محاصره در آورده و پس از تفتیش منازل و اذیت و آزار زنان و مردان عده‌ای را دستگیر و با خود به زندان و مقرهایشان میبرند.

در روز ۶۵/۸/۲۲ در میدان جوانان دستگیر شدند و ۵۰۰ نفر را دستگیر و آنها را با خود به خانه جوانان ساجز که هم اکنون مقر پاسداران و جاشها است بردند. یکی از دستگیرشدگان می‌گفت که در آنجا جانها با سرو صورت بسته برای شناختن به میان جمعیت آمده و چند نفر را از میان جدا کرده و بقیه را آزاد کردند که هنوز هم از سرنوشت آن عده خبری درست نیست.

رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی در دو ماه اخیر بیش از ۱۱ نفر از جوانان و اهالی شهر را تیرباران کرده است که ۴ جوان ۱۱ ساله نیز جزو آنان هستند. این اعمال رژیم با همکاری و جاسوسی مستقیم عاشقین توده‌ای و اکثریتی و بهروان کنگره ۴ حزب دمکرات صورت میگیرد.

(بقیه از صفحه ۲) حرکت تازه‌ای از ...

مرکوب عربان، اعدام وسیع وسیع سابقه انقلابیون و ایجاد جو رعید و وحشت در سراسر ایران روی آورده است. در کردستان نیز علاوه بر یورشهای گسترده نظامی در چند ماه اخیر، رژیم با متاعده نشانته‌های جنیش توده‌های و پشتیبانی پیش از پیش انسان از جنیش مقاومت و پیشمرگان انقلابی، جنسایست و سرکوبگریهای خود را گسترش داده و اخیراً اقدام به دستگیریهای وسیعتر و اعدامهای بیشماری نموده است.

اما اعدام دسته‌جمعی جوانان مبارز در میان، منهدج، میانند و آب و بانه، کشتار جنایتکارانه و دستگیری و اخراج دانشآموزان در مقارنتوانستند این اعدا زوشد این حرکت تازه، توده‌ای جلوگیری کند.

در شرایطی که علیرغم شرکت فعالانه تزارش در یورشهای نظامی و همکاری و همراهی مزدوران قمانه، میرفت، جنیش مذاکره فلق که همچنان به بی‌بیداری قهرمانانه ادامه میدهد، در شرایطی که مسسوج مقررات بی‌دریسی پیشمرگان کوماندو در داخل و خارج شهرها ضربات سختی بر نیروهای سرکوبگر وارد آورده است، از یکطرف روحیه مزدوران و نیروی مسسای سرکوبگر رژیم روز به روز، روز قویتر تر گشته و از طرف دیگر روحیه مبارزاتی مردم کردستان مدام بالاتر می‌رود.

در چنین شرایطی متاعده نمیکنیم که جنسایست دانشآموزی هم علیرغم عکس العمل‌های جنایتکارانه رژیم همچنان ادامه داشته و روبه رشد است. در شهر دیرموج اعتراضی یکی پس از دیگری در روزهای ۱۷ و ۱۸ آبان و ۱۶ و ۱۷ آبان مدارس شهر را فرا گرفت. در سنجق بعنوان اعتراض به اعدامهای اخیر چندین تظاهرات از طرف دانشآموزان برپا گردیدند. در مهاباد نیز دانشآموزان مبارز مراسم دولتیسی گشایشی در روز ۱۶/۹/۶۰ با خواندن سرود شدی ره‌قیبید و دادن شعارهای انقلابی به حرکتیسی اعتراضی برخود جنایات رژیم تبدیل کردند تا آنجا که باستوران سراسیمه در سراسر استان سنگر گرفته و با شمراندازی آنان را متفرق ساختند.

این حرکات تأثیر و انعکاس مطلوبی در

میان مردم بجای گذاشته. روحیه عمومی نیروی پشتیبانی از آنها مساعد است.

سازمان ما هم با توجه به رهشوندهای کفراتس اخیرش در این مبارزات فعالانه شرکت میکند و با هدایت سازماندهی و جمعیتدی تجارب بدست آمده در جهت گسترش و اعتلای هر چه بیشتر آن کام بروداره علاوه می‌کوشد تا میان این مبارزات با مبارزات همگانی توده‌های مردم و همچنین با تفرقات نظامی پیشمرگان خود پیوند نهاده و مستمری ایجاد نماید.

تجارب بدست آمده نشان میدهد که طرح مسسج شعارها و خواستها تا آنمره می در جلب توده‌های مردم و سپه‌نر دانش‌آموزان و مردم دارد. درست است که سرنگونی رژیم ضدانقلابی جمهوری اسلامی همگند مبارزات انقلابی همه توده‌های ستم‌دیده کشور میباشد لیکن این مسئله نباید دانش‌آموزان را از طرح شعارهای تاکتیکی و کمپونی شهر و منطقه با تویط ویژه شهر شهر یا مدرسه بازدارد. دانش‌آموزان آزادی دانش‌آموزان زندانی، بازگشتن دانش‌آموزان و عللمان مبارز را خواستی، آزادی فعالیتهای سیاسی از قبیل آزادی تجمع، بحسب سیاسی، تمهید اعلامیه و نشریات دیواری در مدارس، عدم دخالت با حاداران در امور مدارس، برجسیدن روشهای سیاسی و سرکوبگرانه در ادارات مدارس و ...

اگر بوضع و در جای مناسب خود طرح شوند میتوانند وسیله‌ترین توده‌های دانش‌آموزان را بدور خود گرد آورند. در همین حال انعطاف تاکتیکی، دقت در انتخبات لفظی مناسب برای شروع مبارزه معین، توقف مبارزه در لحظه مناسب و تقویت اشکال ادامه آن و ... برای جلوگیری از تظاهرات ناشی از حرکات خود سسج ...

برآکنده و احساساتی ضرورت دارد. و در همه جنبه‌ها آداب و کاری جنیش مستلزم سازماندهی، هماهنگی، مراعات بنساکاری و شناسایی خاستن و جاسوسان و انتقال تجارب به هم دیگر میباشد.

همچنین از تجارب موجود میتوان نتیجه گرفت که جنیش دانش‌آموزی در عین برخورداری از عنوان انقلابی مخصوص بخود، تنها وقتی میتواند ضعیف و

مراسم گرامیداشت سالگرد شهادت

★ چاک علی گلچینی

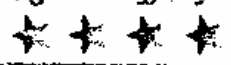
★ چاک صالح بوریدری

۶۰/۹/۵ : در این روز بدعوت کومه له مراسم با شکوهی بمزار رفیق شهید علی گلچینی (چاک علاج رهش عضو و فرمانده نظامی پیشمرگان کومه له در سنج بمانیت سالگرد شهادت وی رفیق همزمش پیشمرگ آگاه و زحمتکش کومه له صالح بوریدری در روزی آهنگ برگزار گردید . یکسال پیش در چنین روزی چاک صالح در عملیاتی کشته برای بیرون راندن مزدوران رزگاری در منطقه توشه پیشمرگان کومه له انجام میدهد شهادت رسید . این مراسم با شرکت عده زیادی از زنان و مردان زحمتکش روستائی و پیشمرگان کومه له (پل شهیدشوان) و (پل شهید نوروز) برگزار گردید شرکت کنندگان در مراسم ابتدا با دادن شعارهای انقلابی از قسمل :

پیشدانی مورمان ، گیان نبدای زحمتکشان ، چاک علاج فداکار ، چاک صالحی فداکاری ، قهسم به خویشی سورتان در یژه هیه ریگنان (شهدای اورمان ، جان فدایان زحمتکشان ، چاک علاج فداکار ، چاک صالح فداکار ، سوگنده خون

ادامه حرکت تازه ای از ...

بودهای خویش را در مقابل با سرکوبگرهای رژیم عدالتی بر طرف نمایند که عمیقاً با میسارزات همکاری مردم در آمیزد و از پشتیبانی آنها برخوردار گردد . برای نسل به این هدف ، دانش آموزان باید در خارج از محیط مدرسه ، در خانه ، کوچه ، محله ، در اماکن کار و هر جای دیگر با کار تبلیغی پیگیرانه و به شیوه های گوناگون و با شرکت در مبارزات مسروم بکشند آنان را به شرکت مستقیم در جنبش و پشتیبانی فعالانه از مبارزات انقلابی جاب نمایند .



سرخان ادا مه دارد راهتان " خمینی بزانه ، شی خوبی مزی زمانه ، بسسه هیزی کویکاران به هیزی زحمتکشان دهرت شکه بین له شبران "

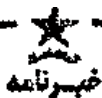
(خمینی بدان ، ای خونخوار زمانه ، با نیروی کارگران ، با نیروی زحمتکشان ، بیرونت میکنیم از ایران)

و حمل پوسترو پلاکارد از جلو مقر کومه له بسوی مزار شهیدای راهپیمایی پرداختند در این هنگام چند دسته از پیشمرگان کومه له (پل شهید شوان و پل شهید نوروز) که تازه از عملیات نظامی خود بازگشته بودند ، به صف راهپیمایان پیوستند ، شرکت آنان در مراسم جلوه خاصی به راهپیمایی می بخشید .

بعد از انجام راهپیمایی مراسم با خواندن سرود (ای شهیدان) آغاز و سپس یکی از رفقای پیشمرگ در مورد زندگی مبارزاتی شهید صالح و شهید صالح فداکاری آنان در امر مبارزه و قدرت سازماندهی شهید صالح بعنوان فرمانده پیشمرگان کومه له در سنج و ... سخنانی ایراد نمود ، سپس به تشریح اوضاع سیاسی کنونی ایران و کردستان و دعوت به مبارزه هر چه بیشتر توده های مردم برای سرنگونی این رژیم و ایجاد حکومتی انقلابی دیکراتیک پرداخت بعد از خواندن قطعه شعری یکی از جنگان شهید صالح در مورد مبارزات وی سخنانی گفت و اشاره کرد که تمواند و از دست دادن شهیدان را با یدیه مبارزه علیه دشمنان تبدیل نمود .

مراسم با خواندن سرود شهید علاج و پیام جمعیت دیکراتیک سلمان ناجیه ، سنج و خواندن سرود " کیشمه ره هوی کویکاران " پیشمرگ کارگران ادامه یافت ، این مراسم با راهپیمایی محدود بطرف مقر همراه با دادن شعار و سرود و ایراد سخنانی توسط پدر یکی از پیشمرگان کومه له ادامه پیدا کرد و در آنجا پایان پذیرفت .





گرامیداشت خاطره

رفیق شهید

★ کاک علی گلچینی صلاح رهش

۶۰/۹/۲۲: در این شب مراسم گرامیداشت خاطره جنگ با مزدوران رژیم در یکی از روستاهای اطراف یوکان برگزار گردید. مراسم با سرود انترناسیونال آغاز شد و با بیان خاطراتی از طرف یکی از رفقای پیشمرگ در مورد رفیق شهید علی گلچینی (کاک صلاح رهش) ادامه یافت. این رفیق ضمن سخنانش به کاردانی و فداکاری شهید صلاح اشاره کرد و گفت:

"... در آن روزهای بسیار سرد زمستانی که تلنگ درد دست رفقا یخ می بست و بالا رفتن از ارتفاعات منطقه، او را مان زاورود بسیار سخت بود در حالیکه مزدوران رژیم اسلحه و مهمات زیادی داشتند، تصور روستا شبان این بود که حتی بکنفرار رفقای پیشمرگ با باز نخواستند. اما کاک صلاح و پیشمرگان تحت تصمیمات کومه لسه را بارها آزموده بودند و به پیروزی اطمینان داشتند. شهید صلاح نقشه نظامی دقیقی طرح کرده بود و خود میگفت: که با کمترین تعداد شهید پیروز خواهیم شد. همین طوری هم شد، البته یکی از شهدای خود شهید صلاح بود که برای کومه لسه بسیار ارزشمند بود ..."

پس از آن یکی دیگر از رفقا در سخنانش به ماهیت ارتجاعی دارو دسته رژیم رژیم، سواستق سران آن و خیال سوا استفاده آنان از جنسیت مقاومت و نیز سیاستهای فرصت طلبانه آن زمان سازمان چریکها در قبال جنگ رژیم اشاره نمود. همچنین این رفیق اشاره کرد که جهش ارتش رژیم فدائیکارترین رفقا همان کاک صلاح رهش، کساک صالح پیوریدری، کاک علی قمری و کاک علی نظری در این جنگها شهید شدند.

رفقای دیگر ضمن بازگویی خاطراتی از شهید صلاح از جمله: و به زندگی سخت توده ها در شرایط

جنگی و اهمیت دادن به پشتیبانی و شرکت توده ها در مبارزه مسلحانه و همچنین نقش وی به عنوان فرمانده نظامی در جنگ ۲۲ روزه سنسودج و اینکارات انقلابی این رفیق سخن گفتند. پس از آن سرود کاک شوآن در میان شور و هیجان حاضران اجرا شد و مراسم با خواندن چند قطعه شعر و سرود ادامه یافت و بسا سرود انترناسیونال به پایان رسید.

مراسم گرامیداشت شهادت

★ کاک منصور موسوی

در شهر اشنویه

در خبرنامه ۱۴۴ خبر چگونگی شهادت قهرمانانه پیشمرگان کومه لسه با ارتش و پاسداران و مزدوران قیاده موقت در نقشه را با اطلاع رساندیم. در این نبرد که تلفات سنگینی بود دشمن وارد آمد، عده ای از پاسداران فدائیکارما به شهادت رسیدند. کاک منصور موسوی پیشمرگ زنده کومه لسه و اهل شهر اشنویه، یکی از شهدای این نبرد بود.

با وجود غفلت شدیدی که مزدوران جمهوری اسلامی بر شهر اشنویه حاکم کرده اند، عده ای از مردم مبارز شهر موفق شدند که به نامیه شهادت کاک منصور، مراسم را بر مزارش برگزار نمایند. این مراسم با خواندن سرودی انقلابی آغاز گردید. سپس یکی از مبارزین شهر در مورد جنایتهای ارتش و پاسداران و جاسها و همکاران مزدوران قیاده موقت برای آنها سخن گفت. وی همچنین از فدائیکاریهای پیشمرگان کومه لسه در مقابل رژیم یاد کرد و کارگران و توده های مردم را به شرکت هر چه وسیعتر در این مبارزات دعوت کرد.

رفیق دیگری درباره زندگی شهید منصور موسوی، مبارزاتش و روحیه انقلابی و فدائیکاریهای وی در مبارزه، سخنانی برای حاضرین ایراد کرد. مراسم با خواندن یک سرود انقلابی پایان یافت.

به یاد رفیق مبارز



عشمان فرج پور

رفیق عشمان فرج پور در سال ۱۳۴۲ در خانواده‌ای زحمتکش در روستای "حاجی ممدان" کوشیز متولد شد. دوران تحصیلات ابتدائی اش را در روستای خود تمام کرد و برای ادامه تحصیل به شهر سقز رفت. شهید عشمان از دوران کودکی درد و رنج را با پوست و گوشت خود لمس کرده بود و ظلم طبقاتی و استثمار زحمتکشان را از نزدیک می‌دید و بسا آن بزرگ میشد. در مبارزات دانش آموزی شهر سقز فعالانه شرکت میکرد. بعد از قیام توده‌های ستمدیده مردم ایران و استقرار حاکمیت جمهوری اسلامی علیه یورش رژیم و سرکوب خلق کرد بسنه مبارزه برخاست و در اکثر تظاهرات و اجتماعات شهر سقز علیه نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی شش‌لشانه شرکت کرده و در جریان سال همیشه به روستای خود در منطقه "رشپورفت" و آنجا میگردد و از تبلیغ برای روستائیان زحمتکش و تشویق آنان بمبارزه از هیچ کوششی فروگذار نبود.

در دوره دوم جنبش مقاومت خلق کرد و پس از اشغال شهر سقز بدست نیروهای سرکوبگر وی سعی کرد که با کمک رفقای پیش‌سخ ۱۳۶۱ هی سیاسی و شوریک خود را بسازد. ارتفاع سطح آگاهایی سیاسی اش وی را متوجه کرد که برای ادامه مبارزه بشیوه‌ای انقلابی به تشکیلات سازماندهی نیاز دارد به همین جهت با کومه له ارتباط برقرار نمود و این امر موجب گشت که آگاهانه تر و فعالانه تر به مبارزه ادامه دهد و در این رابطه فعالانسه شریات و خبرنگار کومه له را در منطقه "رشپورفت" میگرد و سازماندهی ارتش پایگاه بزرگی در نزدیکی روستای حاجی ممدان در "سوته" ایجاد کرده بود.

رفیق عشمان با احساس مسئولیت انقلابی و خلیفه

خوبش را کماکان ادامه میداد و از افتاکسری در باره نیروهای سرکوبگر بی‌لحظه غافل نبود. در مهرماه ۶۰ برای ادامه تحصیل به شهر سقز بازگشت و بهر صورتی از پیش در مبارزات دانش آموزی شرکت کرده و در جریان این مبارزات در تاریخ ۶۰/۸/۱۸ با گلوله کالیبر ۵۰ به ساداران مزدور قتل پیوسته از تنش باز ایستاد. با دانش گرامی و دانش بردوام باد.

بسیاد انقلابی شهید ★ خالده غفوری

در تاریخ ۶۰/۹/۲ جوان انقلابی و بهر شور و عوادار دلسور کومه له کاک خالده غفوری مرحالیکه برای انجام ماوریت عازم یکی از روستاهای اطراف بانه بوده. در شریک بانه. از اندکسی بشهادت رسید. با شهادت وی ما یکی از دوستان مبارز خود را از دست دادیم.

کاک خالد در سال ۱۳۳۸ در شهر بانه بدنی آمد و پس از پایان تحصیلات خود در یکی از روستاهای اطراف آن شهر به صطبی پرداخت. وی در نیام سراسری علیه رژیم پهلوی با شور و شوق فراوان شرکت جست. پس از یورش ۱۹ مرداد ۱۳۵۱ رژیم جمهوری اسلامی به کردستان و آغاز جنبش مقاومت خلق کرد، فعالیت انقلابی خود را در رابطه با کومه له آغاز کرد. در یورش دوم رژیم بسنه کردستان و در مقاومت ۲۴ روزه بهشمیرگان و مردم مبارز بانه فعالانه شرکت جست. با عقب نشینی بهشمیرگان از بانه وی نیز شهرا ترک گسرد. پس از مدتی به شهر بازگشته و مخفیانه بسنه مبارزات خود ادامه داد. چندی پیش در اشهر جاسوسی خاشین اکثریتی و توده‌ای مورد تعقیب مزدوران جمهوری اسلامی قرار گرفت و ناچار از ترک شهر شد. با شهادت این رفیق مبارز را خانواده اش و بهشمیرگان کومه له ضللت می‌کند. بسادش گرامی بساد.



به یاد رفیق مبارز

رضائی کویت



عثمان فرخ پور



مراسم گرامی یادداشت

شهادت

کاک احمد تیانه



کاک احمد تیانه پیشمرگ انقلابی کومله در تاریخ ۶۰/۸/۲۶ بر اثر در رفتن یک تیر تصادفی از اسلحه اش در یکی از روستاهای اطراف بوکان شهادت رسید. این حادثه ناگوار غم و اندوه پیشمرگان کومله و اهالی روستاهای اطراف را بدنبال داشت. بمناسبت سومین روز شهادت وی عده زیادی از پیشمرگان کومله و اهالی روستاهای اطراف بر مزارش گرد آمده و مراسم را برگزار کردند.

مراسم با خواندن - و - ای شهیدان آغاز گردید. پس از آن یکی از رفقای کومله سید از شخصیت انقلابی و مبارزات شهید کاک احمد تظلیل بعمل آورد. سپس از روستا شیان زحمتکش شرکت کننده در مراسم خواست که هر چه پیشمرگ تشکیل شده و در راه ایجاد شوراهای انقلابی و ایجاد بنکهای زحمتکشان در روستاهای خود گسیام بردارند. پس از سخنان وی گروهی از پیشمرگان سرود "پیشمرگهای گریکارانین" (پیشمرگ کارگرانیم)، را بطور دستجمعی خواندند. بدنبال آن نمایندگان روستاهای مختلف بهایشان را خواندند. قطعه شعری نیز که بمناسبت شهادت "شاولی" و شهادت آن سروده شده بود، خوانده شد. نماینده شوراهای یکی از روستاهای شرکت کننده نیز در سخنان خود چنین گفت:

" اینک شهید احمد از خانوادهای زحمتکش برخاسته و در نقطه ای عدها کیلومتر دورتر سراسر جان نوازش شهید شده است. (شهید احمد اهل یکی از روستاهای اطراف کاک تیانه بود). غم نبود نه ای از همبستگی زحمتکشان کردستان است... نا از طرف کومله در سخنانش به ضرورت زحمتکشان اشاره کرد. من هم میخواهم

بگویم اگر چنین نکنیم، همان بر سرمان خواهد آمد که در زمان شاه بر سرمان آمد. در آن موقع نیز ما مبارزه کردیم، زندان و شکنجه گاه رفتیم، خون دادیم، اما سرمایه داران و مرتجعین شعرات مبارزات ما را ربهوده و اکنون همچنان در نظر و فلاکت بسر می بریم.

مراسم با خواندن سرود "په یی ناوی بیسو شهیدی و تنه شیوه و گرین" (برای شهادی وطن شما بگریست)، پایان پذیرفت.

اعدام ۱۳ تن از مبارزین در میان دو آب بدست رژیم

در تاریخ ۶۰/۸/۲۲، ۱۳ تن از مبارزان بدست رژیم فدا انقلابی جمهوری اسلامی اعدام شدند. یکی از اعدام شدگان، انقلابی مبارز کاک اسد جانالی از هواداران سازمان وحدت کمونیستی بود.



گرامی بیان بیان انقلابی شهید

کاک اسد جانالی

شهید اسد جانالی در سال ۱۳۴۰ در خانوادهای فقیر در شهر بوکان متولد شد. دوره ابتدائی را در همان شهر گذراند. در سال ۵۵ و همزمان با آغاز جنبش فدا شدادی، با وجود سن کمش وارد یک زندگی فعال سیاسی گردید. در تمامی فعالیتهای سیاسی شهر بوکان بویژه در تشکیل شوراهای انقلابی دانش آموزان نقش فعالی بعهده داشت. ناچاشیکه بعنوان یکی از اعضای شورای سراسری دانش آموزان بوکان انتخاب شد. به هنگام آزاد شدن شهرها توسط پیشمرگان و بیرون راندن ارتش و پاسا سواران فعالیتت تشکیلاتسی خود را با سازمان وحدت کمونیستی آغاز کرد. در مرداد ماه ۶۰ برای ادامه فعالیت به تهران فراخوانده شد و تا پیشه در بنده ۳

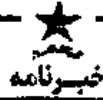
گروه



گروه گرامر
شهادت
پیشانی کوشک
☆ گمانه احمد تیانه



گروه بیاد
بیاد انقلابی شهید
پیشانی کوشک
☆ اسعد جانالی



گزارشی از : بوکان بعد از تسلط نیروهای رژیم

● در روز جمعه ۶۰/۸/۲۹ دعوت قبلی سپاه پاسداران، پس از نماز جمعه اقدام به یک راهپیمایی در رابطه با " طرح فهد " نمودند. در این راهپیمایی عده کمی از مردم شهر شرکت داشتند بطوریکه هنگام رسیدن راهپیمایان به مقابل روابط عمومی سپاه پاسداران تعداد آنها به ۱۰۰ نفر میرسید. علاوه بر پاسداران تعداد بسیار کمی از اربابزاریان و کارمندان شرکت داشتند. در مسیر راهپیمایی مردم در پناه دروها با حالتی تمسخر آمیز آنها را نگاه میکردند و به درخواست پاسداران برای شرکت در راهپیمایی بی اعتنا بودند. بغیر از عده ای از دختران زینب " و پاسداران کسی شعارها را خصوصاً شعارهایی که بر علیه نیروهای سیاسی بود، تکرار نمیکردند. در مقابل روابط عمومی ۱ تن از پاسداران برای راهپیمایان سخنرانی کردند. آنها در سخنرانی خود عا جز آنکه از مردم میخواهند که در شناسایی " فدا انقلاب " آنها را یاری دهند و به هنگام مدرکری در شهر " صحنه " را ترک نکنند (این مسئله را چندین بار دیگوار طریق بلندگو اعلام کرده اند). تعداد راهپیمایان بعدی کم بود که خائنین تسوده ای و اکثریتی جرات شرکت در آنرا نداشتند و راهپیمایی را از

دگر آن خودداری کرد. پس از حمله به شهر بوکان و تسلط شدن نیروهای سرکوبگر بر آن، رژیم با جاج و جنجال بسیار، در بوقهای تبلیغاتی خود مدعی که اینک " امنیت " به شهر بازگشته و ما به نیاز عمومی مردم در اختیار آنان قرار خواهد گرفت. اکنون با گذشت حدود ۲ ماه از استقرار آنها در شهر هر چند در اواصل با خونریزی و " مهربانسی " میخواستند در شهر جای پای برای خود باز کنند، مردم بدرستی در یافتن آنکه نه عده و عصبیه حمله ای بیش نبوده است. مزدوران رژیم کم کم به نمایش چهره واقعی و جنایتکارانه خود پرداخته و به انحاء مختلف به اذیت و آزار اهالی بی دفاع می پردازند. آنان چندی پیش شروع به جمع آوری دکه های اطراف خیابان کرده و آنها را به مطهائی که اطلاق رفت و آمد مردم نیست، انتقال داده اند. به این دلیل بسیاری از دکه داران ناچار تنها وسیله زندگی خود را رها کرده و هم اکنون بیکار هستند. مواد خوراکی و ما به نیاز مردم خیلی کم و نایاب است و گران بی داده میکند. بسیاری از کسانی که از همان اوایل تسلط رژیم بر شهر، دستگیر شده اند، هم اکنون در زندانهای مراغه، میاندوآب و بوکان بسر میبرند. عده ای از آنها به جسمهای

۱۰ تا ۱۵ سال محکوم شده اند. عده ای نیز در روزهای اخیر در میاندوآب بوسیله عامل رژیم فدا انقلابی جمهوری اسلامی تیرباران گردیدند. هر چند گناه یکبار پاسداران و جانشان قسم از شهر را معارضه کرده و به تفتیش اذیت و آزار و دستگیری مردم بی دفاع می پردازند. مزدوران رژیم بعضی اوقات تمامی اعضاء یک خانواده را دستگیر و زندانی میکنند. مزدوران رژیم از چند روز پیش اقدام به بریدن درختان داخل و اطراف شهر نموده و تا کنون درختان باغهای " قاضی "، " امیرآباد "، " علی آباد " و ... را قطع کرده اند. بیشتر این درختان منطبق به اثرات زحمتکش بودند. این عمل را به این علت انجام داده اند تا به خیال

هم میهنان مبارز!

سازمان ما را از لحاظ مالی و تدارکاتی یاری دهید.

با آغاز فصل سرما مواد سوختنی و انواع لباس گرم مورد نیاز پیشمرگان ما می باشد. کمکهای خود را از هر طریق که برایتان امکان دارد به ما برسانید.

(بقیه در صفحه ۱۹)